



The What, Why and How of Medical Jurisprudence

Mohammad Ali Ghasemi¹

Received: 25/10/2020

Accepted: 06/04/2021

Abstract

The growing expansion of jurisprudence, the emergence of many new issues, meeting the current jurisprudential needs of society, planning for the balanced growth of jurisprudence in medical issues in order to systematize and improve the ability to respond and determine the duties of those responsible, has created the need to a specialized field under the title of medical jurisprudence, which should be dealt with through studying the basic and fundamental questions. One of the issues is, "can medical jurisprudence be considered as one of the fields of specialized jurisprudence?" Moreover, what is its place in the system of comprehensive jurisprudence? What steps should be taken to create and work on this specialized field? The present study, by taking a comprehensive look at the place of medical jurisprudence and explaining the necessity and criteria for specialization of jurisprudence, proves that medical jurisprudence has the necessary criteria to be formed as a specialized field. Therefore, this field needs to be compiled, taught, and studied step by step. In particular, it is necessary to develop a comprehensive training program in different educational levels, in such a way that the context of this field to present in Islamic seminaries and related universities be provided. In addition, writing textbooks, educational texts, and training capable professors in this field, is one of the most important requirements for the formation and development of this field.

Keywords

Medicine, medical jurisprudence, requirements of medical jurisprudence, specialized jurisprudence, jurisprudence structure.

1. PhD in Qur'an and Politics, Director of the Department of Medical Jurisprudence, The Jurisprudential Center for the Holy Imams. ghasemimohammad110@gmail.com

* Ghasemi, m. a. (2021). The What, Why and How of Medical Jurisprudence. *Journal of Fiqh*, 28(105), pp. 179-205. Doi: 10.22081/jf.2021.59172.2159.

فقه پزشکی؛ چیستی، چرایی و چگونگی

محمدعلی قاسمی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۰۴

چکیده

گسترش روزافزون قلمرو علم فقه، بیدایش مسائل مستحدثه فراوان، پاسخ‌گویی به نیازهای فقهی روزآمد جامعه، برنامه‌ریزی برای رشد متوازن فقه در مسائل مورد ابتلای پزشکی در جهت نظام‌سازی و ارتقای توانایی پاسخ‌گویی و تعیین وظیفه مکلفان، ضرورت ایجاد رشته و گرایش تخصصی با عنوان فقه پزشکی را مطرح ساخته است که باید با مطالعه و بررسی پرسش‌های مبنایی و زیرساختی صورت پذیرد؛ از جمله اینکه آیا می‌توان فقه پزشکی را به‌عنوان یکی از گرایش‌های فقه تخصصی محسوب کرد؟ و اساساً جایگاه آن در منظومه فقه جامع چیست؟ برای ایجاد و تدوین این رشته تخصصی چه اقداماتی باید صورت داد؟ پژوهش حاضر با نگاهی همه‌سونگر به جایگاه فقه پزشکی و تبیین ضرورت و معیارهای تخصصی کردن فقه، ثابت می‌کند که فقه پزشکی معیارها و ملاک‌های لازم را برای تشکیل رشته تخصصی دارد، بنابراین باید به‌صورت گام‌به‌گام به تدوین، آموزش و پژوهش در این عرصه پرداخت. به‌ویژه تدوین برنامه آموزشی جامع در مقاطع مختلف آموزشی ضرورت دارد؛ به‌گونه‌ای که ظرفیت ارائه آن در حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های مرتبط فراهم آید. همچنین نگارش درس‌نامه‌ها و متون آموزشی، و تعلیم و تربیت اساتید توانمند در این زمینه، از مهم‌ترین بایسته‌های تشکیل و گسترش این رشته به‌شمار می‌آید.

کلیدواژه‌ها

پزشکی، فقه پزشکی، بایسته‌های فقه پزشکی، فقه تخصصی، ساختار فقه.

۱. دکتری قرآن و سیاست و مدیر گروه فقه پزشکی مرکز فقهی ائمه اطهار^(ع). ghasemimohammad110@gmail.com

مقدمه

در پرتو پیشرفت علم و تغییر سبک زندگی انسان عصر مدرن، مسائل و موضوعات چالشی پیش روی عالمان و فقیهان دین قرار گرفته است و هرروزه به نمونه‌های آن افزوده می‌شود، تا جایی که به جرأت می‌توان مسائل نوپیدا را بیشتر از مسائل پیشین دانست؛ از این رو در راستای پاسخ‌گویی به مسائل مستحدث، نیازمند تأسیس و تدوین فقه‌های تخصصی و میان‌رشته‌ای هستیم تا بتوان با موضوع‌شناسی و بررسی عالمانه بر اساس ادله فقهی-اصولی، حکم مسائل جدید را استنباط کرد.

پیشرفت دانش پزشکی، کشف عرصه‌های نوین و ابتلای عموم مردم با مسائل بهداشتی و درمانی، فقه پزشکی را به یکی از مهم‌ترین عرصه‌های فقه‌های تخصصی تبدیل کرده است، و حتی با فراگیری بیماری کرونا به‌عنوان بیماری نوین زندگی بشر، می‌توان پزشکی را تأثیرگذارترین موضوع بر عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و فرهنگی دانست؛ چراکه همگان منتظرند تا دانشیان علوم پزشکی بتوانند با کشف واکسن این بیماری، این مشکل امروز بشر را حل نمایند.

بر این اساس در راستای پاسخ‌گویی به همه پرسش‌های مطرح در زمینه فقه پزشکی که هرروزه به حجم انبوه آنها افزوده می‌شود، ضرورت دارد با برنامه‌ریزی دقیق و حساب‌شده به تدوین برنامه رشته تخصصی فقه پزشکی به‌عنوان یکی از گرایش‌های فقه عام پرداخت. در این راستا نخست باید به پرسش‌های مبنایی مطرح پاسخ داد که مهم‌ترین آنها عبارتند از اینکه آیا فقه پزشکی یک گرایش فقهی تخصصی محسوب می‌شود؟ جایگاه فقه پزشکی در منظومه فقه چیست؟ برای ایجاد گرایش تخصصی فقه پزشکی، چه اقداماتی باید صورت گیرد؟ محورهای مهم و کلی آن کدام‌اند؟

مقام معظم رهبری نیز در دیدار با عالمان حوزه، نگرانی خویش را از سستی و رکودی که بر علوم حوزوی، به‌ویژه فقه، حاکم است ابراز داشته و حوزویان را به تلاش فزون‌تر در راستای بالنده‌ساختن فقه و فقاقت، به‌گونه‌ای که به نیازهای مختلف اجتماعی و حکومتی و مسائل و موضوع‌های نوپیدا پاسخ‌گو باشد، فرا خواندند (خامنه‌ای، ۱۳۷۴) و در سخن دیگری فرمودند: «حوزه‌ها باید حرکت به سمت تخصصی‌شدن را جدی



فقه

بگیرند و در فقه و اصول و بخش‌های مختلف فقهی و دیگر علوم اسلامی، تخصص و درجات تخصصی به اجرا گذاشته شود» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰).

پیشینه تحقیق: تاکنون پژوهش‌هایی مانند مقاله «قلمرو فقه پزشکی و اخلاق پزشکی»، نوشته محمود طباطبائی و محسن علم‌الهدی و یا مقاله «واکاوی پیوند دانش فقه و علم پزشکی»، نوشته کاظمی و همکاران، در این موضوع نگارش یافته‌اند، اما در هیچ کدام از چگونگی تأسیس رشته فقه پزشکی، لوازم، موانع و چگونگی انجام آن به صورت منسجم سخن گفته نشده است. بر این اساس پژوهش حاضر در گفتار یکم، بعد از بررسی اجمالی اهمیت و جایگاه پزشکی و فقه پزشکی، به تبیین ضرورت و بایسته‌های آن می‌پردازد. گفتار دوم به بیان ضرورت تخصصی شدن فقه و ایجاد گرایش فقه پزشکی می‌پردازد، و در گفتار سوم، به تبیین محورهای بنیادین این رشته تخصصی می‌پردازیم و چگونگی تأسیس رشته «فقه پزشکی» را آشکار می‌سازیم. گفتار چهارم با تلاشی وافر و جامع به تدوین چگونگی برگزاری دوره آموزشی فقه پزشکی به تبیین سرشاخه‌های عناوین مهم دروس آن می‌پردازد.

نوآوری‌های پژوهش: ارائه دلایل ضرورت ایجاد رشته فقه پزشکی، ارائه راهکار چگونگی ایجاد رشته فقه پزشکی در حوزه‌های علمی و دانشگاه‌ها، ارائه راهکارهای تحقق بخشیدن به مزایای رشته تخصصی فقه پزشکی و برطرف کردن آسیب‌های رشته‌های تخصصی، و تدوین سرفصل دروس به صورت جامع و فراگیر، می‌تواند از جمله نوآوری‌های پژوهش حاضر به شمار آید.

۱. اهمیت و جایگاه پزشکی

از گذشته تاکنون، علم پزشکی در حوزه علوم بشری از رتبه بالایی برخوردار بوده است؛ چه اینکه بهره‌مندی از همه مواهب هستی در پرتو سلامتی جسم و جان به سرانجام می‌رسد. رسول گرامی اسلام ﷺ دانش را به دو دسته تقسیم می‌کند: دانش دین‌ها و دانش بدن‌ها (کراچکی، ۱۳۹۴ق، ص ۲۵؛ قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۶۳)، و امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «هیچ دانشی به اندازه جستن سلامتی اهمیت ندارد...» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۸۶) و امام





صالح علیه السلام فرمود: «هیچ گاه مردم از پزشک آگاه و مورد اعتماد بی نیاز نیستند» (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۲۳۵)، بنابراین طبابت و طیب از دیدگاه روایات از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و امروزه نظام سلامت یکی از معیارها و ترازهای توسعه و پیشرفت جوامع بشری به شمار می‌آید و کمتر کسی را می‌توان یافت که نیازمند مراجعه به پزشکان نباشد، بلکه وضعیت بهداشت، سلامت و پیشگیری، درمان و روش‌های مختلف درمانی، همه عرصه‌های زندگی بشر را تحت الشعاع خود قرار داده است و نقش بی‌بدیلی در زندگی انسان‌ها ایفا می‌کند، به گونه‌ای که دیگر نمی‌توان از مسائل مختلف آن چشم پوشید و آن را تنها منحصر به افراد خاصی دانست، بلکه وضعیت پزشکی به‌عنوان یکی از شاخصه‌های مهم اجتماعی و راهبردی مورد توجه جوامع بشری، دولت‌ها، نهادهای دولتی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی قرار گرفته و هر یک می‌کوشند تا ظرفیت سلامت و بهداشت، پیشگیری و درمان کشور خویش را توسعه بخشند تا بیش از پیش بتوانند سلامت آحاد جامعه خود را تضمین نمایند.

بنابراین از یک سو، با توجه به اینکه همه انسان‌ها، از قبل از تولد تا بعد از فوت، نیاز مبرم به دستورات عمل‌های طب، بهداشت، درمان و سلامت دارند، و از سوی دیگر پیشرفت فوق‌العاده دانش پزشکی در عرصه‌های مختلفی مانند ژن‌درمانی، انرژی‌درمانی، جراحی‌های مختلف به روش مدرن، لقاح مصنوعی، انواع جراحی‌ها از قبیل جراحی‌های زیبایی، ترمیمی و درمانی، گسترش همه‌جانبه ابزارهای پزشکی توسط دانشوران مهندسی پزشکی، هیچ جامعه بشری را نمی‌توان یافت که به پزشکی و مسائل پیرامون آن اهمیت ندهد و درصدد توسعه، مطالعه و حمایت از این نیاز اساسی جامعه خویش نباشد.

پزشک، کسی است که با تدبیر و داروی شفا بخش، به درد بیماران رسیدگی می‌کند، و همچنین به او پزشک، بجشک، طیب، متطبب، حکیم، آسی و معالج گویند (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۲، ص ۳۱۱). ابن‌سینا همانند جالینوس آورده است: «طب دانشی است که به بررسی فراگیر وضعیت بدن آدمی پرداخته، عوامل نگه‌دارنده و زداینده سلامتی و شیوه‌های بازگرداندن سلامتی از دست‌رفته را شناسایی می‌کند. این دانش دارای دو

بخش نظری و عملی است» (ابن سینا، ۱۲۹۶ق، ج ۱، ص ۵؛ جالینوس، ۱۹۸۲م، صص ۲۴-۳۴) بر این اساس پزشک کسی است که با تحقیق و مطالعه و معاینه با درمان بیماران می‌پردازد؛ برخی هنوز هم تعریف ربیع بن احمد اخوینی را معتبر می‌دانند که به نظر وی، پزشکی پیشه‌ای بود که سلامت را نگاه‌دارد و چون رفته باشد باز آرد به علم و عمل (مروندی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۳).

وابستگی جامعه به پزشکی و رشد و گسترش آن به ایجاد «علوم پزشکی» در مراکز دانشگاهی، و بخش اجرایی آن در قالب تشکیل «وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» انجامید و به موازات آن با توسعه قوانین و مقررات حاکم بر پزشکی و مسائل مرتبط با آن، شاخه‌ای از مباحث حقوقی را تحت‌عنوان «حقوق پزشکی» شکل داد. گزارش‌ها نشان می‌دهد امروزه دانشمندان توجه ویژه‌ای به جنبه دیگر مسائل پزشکی نموده‌اند و در صدد برآمده‌اند تا رشته تخصصی دیگری با عنوان «اخلاق پزشکی» تأسیس کنند که هر ساله در این موضوع نشست‌های متعدد داخلی و خارجی متعددی برگزار می‌شود (سادوک و سامون، ۱۳۸۹، ص ۸۹)، بنابراین اخلاق پزشکی به‌عنوان نوعی از اخلاق کاربردی هنجاری، به‌دنبال جست‌وجوی راهکارهای مؤثر برای رفع معضلات اخلاقی حاصل از پیشرفت‌های نوین علم پزشکی است.

بدین ترتیب پزشکی به‌عنوان دانشی کاربردی، با هدف حفظ و ارتقای تندرستی، درمان بیماری‌ها و بازتوانی آسیب‌دیدگان پدید آمده است و این غایت با شناخت بیماری‌ها، تشخیص، درمان و جلوگیری از بروز آنها به سرانجام می‌رسد. حاصل آنکه همان‌سان که سیر صعودی پیشرفت‌های علوم پزشکی موجب پدید آمدن حوزه‌های مختلفی در زمینه تکامل علوم پزشکی و شاخه‌های دانشی مانند «حقوق پزشکی» و میان‌رشته‌ای همچون «اخلاق پزشکی» شده است، مسائل نوپدید نیازمند تعیین حکم نیز خواهان تأسیس و گسترش شاخه‌ای از فقه به نام «فقه پزشکی» هستند.

۲. ضرورت و جایگاه فقه پزشکی

در این گفتار، نخست درباره ضرورت تخصصی شدن فقه گفتگو می‌شود، سپس ظرفیت



فقه پزشکی به عنوان یک فقه تخصصی مورد بررسی قرار می گیرد و آن گاه در مورد ضرورت ایجاد این تخصص گفت و گو می شود.

۲-۱. ضرورت تخصصی شدن فقه

فقه در لغت، به معنای دانستن و فهمیدن است (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۲۲۴۳؛ حمیری، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۵۲۳۰؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۴۴۲) و به معنای درک کردن چیزهای مخفی نیز آمده است (عبد الناصر، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۹)، و به تعبیر راغب اصفهانی، فقه به معنای پی بردن از معلومات حاضر به معلومات غایب است (راغب، ۱۴۱۲، ص ۶۴۲)، و در اصطلاح، «هو العلم بالأحكام الشرعية الفرعية عن أدلتها التفصیلیة»؛ یعنی فقه همان علم به احکام شرعی فرعی، از راه استنباط از دلایل تفصیلی آن است» (عاملی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۹۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۸). بر اساس تعریف یادشده، موضوع فقه تمامی قوانین و مقررات عملی فردی و اجتماعی اسلام خواهد بود (نوری، ۱۳۷۸، ص ۱۵؛ موسوی، ۱۳۷۹، ص ۴۹) و هدف آن این است که از طریق منابع و براهین فقهی، در تمامی مواردی که بشر نیازمند دانستن حکم الهی است، به کنکاش پرداخته، و قوانین مربوط به هر مورد خاص را کشف کند (ر.ک: جناتی، ۱۳۷۴، ص ۸). با توجه به تعریف و غایت پیش گفته، فقیهان در طی قرن های متمادی، رسالت پاسخ به پرسش ها، نیازها و تعیین تکالیف مکلفان را در همه عرصه های زندگی به دوش کشیده اند و با گسترش روزانه موضوعات و مسائل نوپدید، مرزهای دانش فقه نیز گسترش یافته است، اما گسترش علوم در عصر جدید، سرعتی دوچندان یافته و پیشرفت دانش بشری، انبوهی از مسائل و سؤالات مستحدث را پیش روی فقیهان نهاده است. تشکیل حکومت اسلامی در ایران، گسترش حوزه ارتباطات، اختراعات و پدید آمدن عرصه های نوین به اضافه عدم امکان تسلط یک نفر بر تمام علوم و پاسخگویی به همه مسائل فقهی آنها، ضرورت تخصصی کردن فقه را آشکارتر ساخته است.

این ضرورت بیش از هشتاد سال پیش توسط عبدالکریم حائری یزدی (۱۲۷۹-۱۳۵۵) مطرح شد: «هر بابی از ابواب، یک متخصص نیاز دارد، چون ابواب فقه خیلی مشتت [است]، و ادله عقلیه و نقلیه و اجتماعات شان تتبع زیادی می خواهد و افراد



فقه

سریع‌الذهن لازم دارد. این عمر انسانی کفایت نمی‌کند که [یک نفر] پنجاه باب را به‌طور شایسته و آن‌طور که باید و شاید تحقیق کند، پس خوب است برای هر بابی یک شخص متخصص شود» (ر.ک: مولوی وردنجانی، ۱۳۸۸، ص ۶). شهید مطهری نیز تقسیم کار در فقه و تخصصی کردن اجتهاد را نیاز صد سال پیش از زمان خود می‌داند و می‌گوید: «یا فقیهان باید جلوی پیشرفت دانش فقه را بگیرند و یا باید با ایجاد رشته‌های تخصصی به پاسخ‌گویی مسائل جدید پردازند» (مطهری، ۱۳۶۵، ص ۶۲). بنابراین اگر در زمان شیخ عبدالکریم حائری نیاز به تخصصی کردن فقه ضرورت داشته، امروزه با چندین برابرسدن مسائل نوپیدا، این ضرورت نیز دوچندان خواهد بود.

با توجه به نکات فوق، فقه باید به‌صورت ضابطه‌مند، به‌موازات گسترش مرزهای دانش در همه حوزه‌ها، به نظریه‌سازی و تعامل و تقابل با نظامات حقوقی پردازد و فقیهان و دانشوران ژرف‌اندیش و مراکز فقهی باید با مجهز شدن به لوازم دانش نوین بشری و با شناخت عرصه‌های مختلف و نیازهای متفاوت، بهترین روش‌های آموزشی و پژوهشی را برای پاسخ‌گویی و دفاع از حریم فقه و فقاہت و شریعت به کار گیرند.

بنابراین با توجه به عدم توانایی و تسلط یک نفر به همه جوانب اجتهاد مطلق و تخصصی شدن پرسش‌های جدید و در راستای یافتن پاسخ دقیق‌تر برای پرسش‌های مطرح، عقل و عقلا، در زمان فعلی، و بلکه از صد سال قبل، به تخصصی کردن حوزه‌های مختلف فقه تأکید می‌وزند؛ افزون بر اینکه پیچیدگی موضوعات و گسترش بیش از پیش آنها و لزوم موضوع‌شناسی برای صدور حکم، تخصصی کردن فقه را لازم می‌نماید. حاصل آنکه با توجه به نکات یادشده، هر دانشور آگاه به فقه و ظرفیت‌های آن، علم و قطع به ضرورت تخصصی کردن اجتهاد پیدا می‌کند. البته روشن است که چنین کاری به‌معنای نادیده گرفتن قواعد فقه جواهری نیست، بلکه همان قواعد در حوزه تخصصی، به‌صورت موشکافانه‌تر تحقیق می‌شود؛ همان‌گونه که حضرت امام خمینی علیه السلام به این نکته تصریح کرده‌اند: «در عین اینکه اجتهاد جواهری به‌صورتی محکم و استوار ترویج می‌شود، از محاسن روش‌های جدید علوم مورد احتیاج حوزه‌های اسلامی استفاده گردد» (خمینی، ۱۳۷۰، ج ۲۱، ص ۴۶).





مزیت یا ضرورت دیگر تخصصی کردن فقه این است که فقه تخصصی در دستیابی به حکم واقعی موفق تر خواهد بود؛ چراکه به کارگیری تخصص و بررسی همه جانبه موضوع همراه با شناخت دقیق موضوع شناسی، به طور معمول حکم صادر شده را دقیق تر می نماید؛ از این رو عبدالهادی شیرازی در پاسخ به این پرسش که اگر شخصی در تمام ابواب فقه مجتهد شود اما در مقام استنباط به روایات دم دستی اکتفا کند، یا تنها در یک بخش مانند مکاسب یا اراضی با فحوص کامل اجتهاد نماید، کدام یک از این دو اقرب به واقع است، فرمودند: «به طور مسلم دومی مقدم است» (جعفری، ۱۳۶۶، صص ۳۷-۳۸).

۲-۲. گرایش تخصصی فقه پزشکی

در طول بیش از چهارده قرن از ظهور اسلام، همواره فقیهان به تمام پرسش های نوپیدا در عرصه های مختلف پاسخ گفته اند؛ چراکه اسلام دینی پویا و جاودانه است (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ج ۱، صص ۶۱-۶۲؛ نوری، ۱۲۸۷، صص ۳-۹)، اما امروزه با توجه به نکات تبیین شده در زمینه تخصصی کردن فقه و گسترش همه جانبه پزشکی و ایجاد پرسش های فقهی فراوان، ضرورت ایجاد گرایش مستقلی تحت عنوان «فقه پزشکی» بیش از هر زمان دیگر احساس می شود، تا در پرتو آن بتوان به صورت آکادمیک و منضبط و بر اساس قواعد اصولی و فقهی، حکم مسائل مستحدث پزشکی را استنباط کرد.

از آن رو که «فقه پزشکی» شاخه ای از فقه عام به شمار می آید، با این تفاوت که به صورت میان رشته ای به تبیین مسائل این دانش می پردازد، «فقه پزشکی» دانشی است که به استنباط و تبیین احکام رویدادهایی می پردازد که به گونه ای با علم پزشکی، وظایف پزشکان، تکالیف بیماران و موضوعات جدید این عرصه - از آن جهت که پزشکی هستند - ارتباط دارند. بنابراین فقه پزشکی شامل تمام ابعاد حکمی و موضوعی مسائل پزشکی و تکالیف مکلفان درباره آنها می شود. به عبارتی روشن تر، ما فقه پزشکی را اینگونه تعریف می کنیم: «هو العلم بالأحكام الشرعية الفرعية الطبية عن ادلتها التفصیلیة؛ فقه پزشکی علم به احکام شرعی فرعی پزشکی از ادله تفصیلی فقه است» (قاسمی، ۱۳۹۹، ص ۲۸).

چنانچه شرایط و ضوابط تأسیس یک دانش میان‌رشته‌ای رعایت شود و دانشوران و مجتهدان متجزی و متبخر در این زمینه پرورش یابند، پردازش فقیهانه مبتنی بر قواعد استنباط، احکام و گزاره‌هایی را پیش روی دانشیان و محققان می‌نهد که به‌عنوان ناگفته‌های علم فقه جلوه خواهد کرد؛ البته اگرچه مسائل جدید و نوپدید هستند، اما یا اصول و قواعد کلی و یا دلایل نقلی عام و مطلق و گاه دلایل خاص آنها در منابع فقهی آمده است و اجتهاد و استنباط باید مبتنی بر آن ادله صورت پذیرد. بنابراین با تأسیس و تربیت دانشوران عرصه «فقه پزشکی» به‌عنوان یکی از زیرشاخه‌های فقه عام و مطلق، فقیه فقه پزشکی باید با نگاه به جامعه معاصر خویش و شناخت کامل خاستگاه مسئله و موضوع و معرفت و شناخت کامل از مباحث موضوع‌شناسی آن از یک سو و توجه و دقت به قواعد اجتهادی و استنباطی و رعایت دقیق ضوابط فقه جواهری از سوی دیگر، احکام مطرح در فقه پزشکی را استنباط نماید.

بر این اساس، ضرورت می‌یابد که حوزه‌های علمیه و مراکز تخصصی فقه و بلکه دانشگاه‌های مرتبط، با اذعان و توجه به نظام جامع و بهره‌مندی از باقیات فقیهان پیشین، تدابیری بیندیشند تا بر پایه اصول سدید و قواعد قویم فقه جواهری، موضوعات نوپیدای عرصه پزشکی را با تدوین ابواب فقهی جدید و سرفصل‌های نوین آموزشی و پژوهشی در سایه گسترش عرصه فقه تخصصی، به‌صورت نظام‌مند مورد بحث و گفت‌وگوی عالمانه قرار دهند.

«فقه پزشکی» با تک‌نگاره‌های ارائه‌شده، بخشی از راه را طی کرده است، ولی به‌جهت پربتابودن و گسترش موضوعات و مسائل، شایسته توجه بیشتری است تا به‌عنوان رشته‌ای تخصصی طرح شود؛ رشته‌ای که به تبیین همه احکام مرتبط با پزشکی موردنیاز جامعه و نظام اسلامی بپردازد.

حاصل آنکه «فقه پزشکی» گرایشی تخصصی از فقه عام است که به استنباط احکام، قواعد و روش استخراج احکام فقهی مرتبط با عرصه‌های مختلف پزشکی، از زوایایی مختلف می‌پردازد. در ادامه ظرفیت‌شناسی تخصصی کردن فقه و ارائه فقه پزشکی، مورد تأمل و ژرف‌نگری بیشتری قرار می‌گیرد.





۲-۳. ضرورت ایجاد فقه تخصصی پزشکی

در راستای بحث از ضرورت ایجاد فقه تخصصی پزشکی باید به دو پرسش پاسخ داد؛ نخست اینکه آیا در حال حاضر منظومه فقه وجود گرایش تخصصی فقه پزشکی را برمی‌تابد؟ دوم اینکه ایجاد فقه پزشکی چه ضرورتی دارد؟

بی‌گمان توجه به تخصصی کردن فقه ضروری است، ولی نباید از این نکته غفلت ورزید که چنانچه این امر بدون برنامه و روشمندی صورت پذیرد، آسیب‌های فراوانی در پی خواهد داشت. روشن است که فقه مدون در عموم ابواب، منسجم و پاسخ‌گوی نیازهای مکلفان است، بنابراین ایجاد فقه‌های تخصصی تنها باید در مسائل نوین و مستحدث صورت گیرد و تخصصی کردن فقه در همه ابواب، جز هدر دادن سرمایه‌ها اثری نخواهد داشت، از این رو نخست باید به شناسایی محاسن و معایب ایجاد رشته‌های تخصصی در حوزه فقه پرداخت و تبیین قابل اطمینانی از شاخص‌های آن ارائه کرد.

مهم‌ترین مزایای تخصصی شدن فقه عبارتند از:

۱. تخصصی کردن فقه سبب ورود فقه به عرصه خارجی و عملی و تمرکز بر کارگشایی و ارائه نظر در مسائل مورد ابتلا می‌شود و حضور فقه را در عرصه‌های مختلف زندگی بشر به صورت روشمند به دنبال دارد. به عنوان نمونه، اگر مباحث پزشکی مرتبط با فقه در مجموعه‌ای گنجانده و تحت عنوان فقه پزشکی دسته‌بندی شود، موضع به کارگیری هر یک از احکام به خوبی مشخص و آشکار شده و زمینه عملی آن به روشنی تبیین می‌گردد. برای مثال آنچه به عنوان تلقیح پزشکی در سیستم درمانی کشور برای درمان ناباروری مطرح است، نیازمند تحقیق دقیق در منابع و مدارک فقه شیعه است تا مبانی و ادله صحیح شرعی آن بر اساس ادله فقهی پایه‌ریزی شود و به صورت مشخص حکم فقهی تلقیح درون‌رحمی و بیرون‌رحمی در انواع مختلف آن استنباط گردد و به صورت یکسان‌سازی شده، به عنوان شیوه و راهکار عملی به مؤسسات مرتبط ارسال شده و مبنای عمل شرعی آنها قرار گیرد.

۲. یکی از مزایای تخصصی شدن این است که سبب می‌شود فقیه واقعیت‌های موجود در این زمینه را دریابد و تنها به صورت ذهنی پیش نرود، بلکه موضوعات و

مسائل را به صورت محسوس و ملموس درک و به دنبال حکم الهی آنها باشد.

۳. تخصصی شدن فقه باعث ورود به حوزه‌ها و عرصه‌های جدید می‌شود؛ چرا که دنیای امروز می‌طلبد که افرادی ممحض و متخصص این موضوعات شوند تا توانایی ارائه پاسخ مناسب برای پرسش‌های آن عرصه را بیابند. به عبارتی، گسترش مباحث فقهی و دامنه فقه به مسائل نوپیدا به صورت نظام‌مند، از دیگر مزایای تخصصی شدن فقه است؛ چرا که تطبیق احکام شرعی بر مسائل روز و یافتن مسائل جدید، در ابواب مختلف فقهی رسوخ کرده و زمینه توسعه در تبویب و احکام فقهی را فراهم می‌آورد.

۴. تخصصی شدن فقه تمرکز هرچه بهتر فقیهان را در موضوع‌ها و مسائل تخصصی به دنبال خواهد داشت و در نتیجه فتاوی صادر شده به واقع نزدیک‌تر خواهند بود.

۵. تعامل و تضارب آراء با رشته‌های دیگر (فقیهان با پزشکان و بیماران)، جذب دانشوران عرصه‌های مختلف به فقه، و معرفی این دانش به آنها.

۶. تدوین نظام آموزشی و ایجاد نظام آموزشی تخصصی، از الزامات تخصصی شدن تدوین نظام آموزشی جدید خواهد بود و این خود از مزایای استقلال رشته‌های تخصصی به شمار می‌آید.

۷. شناخت حوزه‌های دارای کمبود و نیازمند بررسی فقهی جدی‌تر نیز از الزامات ایجاد رشته تخصصی است که به ایجاد این مزیت می‌انجامد.

۸. کمک به رفع معضلات فقهی نظام اسلامی؛ زیرا یکی از معضلات و مشکلات برنامه‌ریزان حکومت اسلامی، به اجرا گذاشتن و تدوین قوانین منطبق بر اصول و موازین استنباط فقه شیعه است. تخصصی کردن فقه یکی از راهکارهای از بین بردن این مشکلات است؛ زیرا با تخصصی شدن فقه و دسته‌بندی موضوعات مختلف شرعی، دقیقاً محل گره و معضل شرعی قوانین و آیین‌نامه‌های اجرایی مشخص می‌شود و بدین ترتیب راه برطرف کردن آن میسر خواهد شد.

۹. همگامی دانش فقه با بنای عقلا در تخصصی شدن علوم: به اعتراف همه دانشوران و متخصصان فنون، در عصر حاضر تنها راه پیشرفت علم و تکامل دانش‌های بشری، تخصصی شدن رشته‌های علوم و فنون است. خردمندان و عالمان دنیای امروز بر آنند تا





با تربیت دانشمندان در اجزای کوچک‌تر علوم، به عمق و دقت تحقیقات علمی بیفزایند. بر این اساس تخصصی کردن فقه حرکت در مسیر تخصصی شدن علوم توسط خردمندان و دانشوران سایر علوم خواهد بود.

اما چنانچه فرایند تخصصی کردن این رشته به صورت صحیح صورت نگیرد، سبب آسیب‌ها و نقایصی می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. ورود به رشته تخصصی بدون اجتهاد عمومی آسیب‌زا است، زیرا تخصصی شدن نیازمند اجتهاد عمومی است و کسی که به این مرحله نرسیده باشد نمی‌تواند پاسخ مناسبی برای پرسش‌های آن عرصه ارائه کند.

۲. ورود برخی با نگاه سطحی‌نگر به عرصه تخصصی می‌تواند آسیب‌های فراوانی چون بدبینی به فقه، فقاقت و احکام آن را در پی داشته باشد.

۳. ورود به مسائل جدید با رویکرد ذهنی و بدون توجه به واقع خارجی، یکی از آسیب‌های مباحث تخصصی است. به سخن روشن‌تر، شخص نباید دوباره در مرحله کلی‌گویی باقی بماند، بلکه باید از این مرحله گذر کرده و به مرحله ارائه پاسخ عملی و اثرگذار نائل آید.

۴. در صورت شتاب‌زدگی، تخصصی کردن می‌تواند سبب تورم نظام اجتهاد و فقه و صرف سرمایه‌ها در مسیر نادرست گردد.

۵. ایجاد تضادهای گرایشی و تداخل برخی گرایش‌ها.

۶. فراهم‌نبودن زیرساخت‌ها و ابزارهای مناسب اجرایی شدن رشته‌های تخصصی: ایجاد رشته تخصصی بدون فراهم‌شدن زیرساخت‌ها و ابزارها، می‌تواند سبب تصور ناکارآمدی رشته تخصصی گردد.

از آنجا که برای تأسیس رشته تخصصی «فقه پزشکی» می‌توان همه معیارها و مزیت‌های یادشده را تحقق بخشید و جلوی معایب و آسیب‌های مزبور را گرفت، بنابراین این موضوع ظرفیت لازم را برای تبدیل شدن به رشته تخصصی دارد. با توجه به نکات پیش گفته، برای پیشگیری از آسیب‌ها، تنها کسانی باید وارد این رشته تخصصی شوند که اجتهاد عمومی یا دست‌کم قوه اجتهاد را دارا باشند و افرادی به این عرصه پا

گذارند که اهل دقت بوده و از سطحی‌نگری بپرهیزند. این نکته می‌تواند در گزینش افراد مورد دقت و تأمل قرار گیرد و کلاس‌های آموزشی و کارگاه‌های عملی را می‌توان به گونه‌ای برگزار کرد که از کلی‌گویی و بررسی ذهنی صرف جلوگیری شود. همچنین با تعریف دقیق صورت گرفته از «فقه پزشکی» می‌توان از تداخل دیگر موضوعات در این رشته جلوگیری کرد و به‌صورت روشمند به تدوین سرفصل‌های دروس آن در بالاترین سطح اقدام کرد. البته حوزه علمیه یا برخی مراکز مرتبط به‌عنوان نهاد مسئول تخصصی کردن علوم، باید زیرساخت‌ها و ابزار تخصصی شدن را فراهم آورند تا از آسیب‌های به‌وجودآمده به‌جهت عدم وجود ابزارها جلوگیری شود.

بنابر تحقیق صورت گرفته، «فقه پزشکی» همه محاسن و مزایای تخصصی شدن را دارا است و می‌توان با برنامه‌ریزی دقیق و منضبط از آسیب‌های پیش‌گفته جلوگیری کرد. البته ناگفته نماند که تخصصی شدن فقه تنها در یکی از رشته‌ها مانند پزشکی نمی‌تواند آثار مطلوبی داشته باشد، بلکه باید در ضمن یک طبقه‌بندی و ساختار مناسب در ضمن درخت‌واره جامع به همه تخصص‌ها نگریسته شود و هر یک از رشته‌ها و گرایش‌های تخصصی در جای مناسب خود قرار گیرد.

برای این منظور و ایجاد نگاه همه‌جانبه نیازمند واکاوی تقسیم مباحث فقهی هستیم؛ به‌عبارتی ضرورت دارد جایگاه فقه‌های تخصصی دارای نقطه جامع در تقسیم‌بندی موضوعات فقه دیده شود. یکی از کسانی که با ژرف‌اندیشی و نبوغ خویش به این امر توجه کرده، مرحوم شهید صدر در کتاب الفتاوی الواضحة است. وی با توجه به روایت «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقْعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةٍ حَدِيثَنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۱۴۰)، محور اصل مسائل جدید و تخصصی را در فقه در واژه «واقعه» می‌بیند. در نظر ایشان ملاک گسترش فقه و تخصصی کردن آن مبتنی بر چند شاخصه است: ۱. ارتباط مستقیم وقایع با حیات بشری که در توفیق شریف آمده است، ۲. شاخصه دوم این است که واقعه‌ها رو به تزاید و فزونی باشند، ۳. نویدبودن واقعه‌ها، ۴. مستمر و پویا بودن واقعه‌ها، به این معنا که فزونی و گستردگی وقایع، منحصر در زمان خاصی نباشد (ر.ک: صدر، ۱۴۲۳ق، ص ۱۰۵).





اگرچه کار مرحوم صدر ستودنی و درخور توجه است، اما باید معیارها و ملاک‌های تخصصی شدن را تکمیل و به صورت جامع و مانع به تعریف و تقسیم‌بندی فقه‌های تخصصی پرداخت تا از یک سواز تداخل رشته‌ها و گرایش‌ها در یکدیگر پیشگیری و از سوی دیگر از تکرر بی‌جهت رشته‌ها بدون ملاک و معیارهای لازم جلوگیری کرد.

بنابراین افزون بر چهار شاخصی که در سخن شهید صدر آمده است، باید در راستای تکامل معیارهای تخصصی کردن فقه، معیارهای ذیل مورد توجه قرار گیرد:

۱. موضوع تخصصی باید از مسائل عینی و خارجی در جامعه اسلامی باشد، نه از موضوعات ذهنی و نظری صرف.

۲. دارای اولویت و اهمیت و فراگیری بخش زیادی از جامعه باشد.

۳. هم‌تراز یکی از رشته‌های دانش‌ها باشد تا میان رشته‌ای بر آن صدق کند.

۴. نیازمند موضوع‌شناسی در دانش دیگر باشد؛ به عنوان نمونه، موضوعات رشته تخصصی «فقه پزشکی» به شدت نیازمند موضوع‌شناسی در دانش پزشکی است. بنابراین بدون موضوع‌شناسی جنین و مراحل آن، یا خون بند ناف و آثار آن از نظرگاه پزشکی، امکان تعیین احکام آن وجود ندارد.

۵. در زمره ابواب مختلف موجود جای نداشته باشد؛ چه اینکه در این صورت نیازی به تخصصی کردن و جایابی نخواهد داشت.

۶. موضوع دارای ظرفیت کمی و کیفی برای تبدیل شدن به یک رشته را داشته باشد، یا دست کم بتواند به صورت گرایشی مستقل در آید. در غیر این صورت باید در زمره مسائل یکی از رشته‌ها یا گرایش‌ها مطرح شود.

۷. قابلیت موضوع برای ارتباط با علوم، رشته‌ها و گرایش‌های دیگر، از مزایای موضوع برای تخصصی شدن است؛ به عنوان نمونه، فقه پزشکی با اخلاق پزشکی و حقوق پزشکی ارتباطی وثیق دارد. بنابراین وقتی در فقه به صورت تخصصی مطرح شود، می‌تواند به صورت مقایسه‌ای و یا موازی با گرایش‌های مرتبط بررسی شود.

۸. موضوع باید قابلیت اجرایی شدن در جامعه را داشته باشد.

با توجه به چهار ملاک بیان‌شده در سخن مرحوم شهید صدر و هشت معیار فوق، در مجموع، چنانچه موضوعی دوازده معیار و تراز پیش‌گفته را داشته باشد، صلاحیت

تبدیل شدن به رشته یا گرایش تخصصی را دارا خواهد بود. در باور این پژوهش، فقه پزشکی همه معیارهای یادشده را دارا است و بنابراین باید در اولویت تبدیل شدن به رشته تخصصی فقهی قرار گیرد.

۳. چگونگی ایجاد فقه پزشکی

پس از بیان ضرورت تخصصی شدن فقه، و اثبات وجود شرایط لازم در «فقه پزشکی» برای تبدیل شدن به رشته‌ای مستقل، اکنون باید دید چگونه می‌توان به این مهم دست یافت؛ چه اینکه اگرچه تلاش‌های علمی متفرقه برخی پژوهش‌گران حوزوی در رساله‌های علمی، مقالات پژوهشی و کتاب‌های منتشره، نشان از آن دارد که حوزه علمیه به سمت و سوی توجه بیشتر به مسائل تخصصی پیش می‌رود، ولی مشکل کار آن است که هنوز انتقال کامل دانش به شکل سامان‌یافته صورت نگرفته است، بنابراین بایسته است تا طرح و برنامه‌ای مدون تدوین شود که مهم‌ترین مراحل آن عبارتند از:

۱. در مرحله نخست باید اهداف تدوین و برگزاری دوره آموزشی-پژوهشی فقه پزشکی را به صورت منطقی مشخص کرد تا سایر امور در راستای دستیابی به آنها آماده‌سازی شود.

۲. ظرفیت‌شناسی در زمینه فقه پزشکی: در راستای جلوگیری از موازی‌کاری و امکان بهره‌مندی از کارهای صورت گرفته، باید ظرفیت‌های حوزه را در این عرصه شناخت. بنابراین ضرورت دارد دروس خارج فقه پزشکی در حوزه علمیه و کرسی‌های تدریس در دانشگاه‌های مرتبط و مراکزی چون مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم‌السلام)، تشکیل گروه فقه پزشکی در آن مرکز و تلاش‌های علمی متفرقه که برخی از پژوهش‌گران طلبه در رساله‌های علمی، مقالات و کتاب‌های پژوهشی در این زمینه انجام داده‌اند را شناسایی نمود. همچنین شناسایی دانشوران و صاحب‌نظران و آثار فاخر در عرصه فقه پزشکی، از مهم‌ترین مراحل ظرفیت‌شناسی این رشته به شمار می‌آید.

۳. ایجاد فضای سخت‌افزاری مناسب، یا استفاده از مراکز موجود دارای ظرفیت لازم برای برگزاری دوره‌های آموزشی فقه پزشکی، از قبیل کلاس‌های آموزشی مجهز،





کتابخانه مناسب، دسترسی به فضای مجازی علمی در زمینه پزشکی، ارتباط با مراکز پزشکی و دانشوران آن عرصه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۴. سپس باید به شناسایی اساتیدی پرداخت که توانایی و انگیزه لازم را برای ورود به مباحث تخصصی فقه پزشکی دارند.

۵. در مرحله بعد لازم است به صورت نظام‌مند به ایجاد زیرساخت‌های علمی برگزاری دوره‌های آموزشی-پژوهشی پرداخت؛ مانند تدوین کتاب‌های لازم دروس پایه و درس‌نامه‌های مناسب این رشته در مقاطع مختلف که تاکنون بخشی از آن توسط گروه فقه پزشکی مرکز فقهی ائمه اطهار (ع) فراهم آمده است.

۶. با تدوین ملاک‌های لازم و معیارهای مشخص و هدفمند از میان دانشوران حوزوی مسلط به فقه و اصول عمومی، استعدادیابی صورت گیرد و برای تحصیل و پژوهش در زمینه فقه پزشکی گزینش شوند.

۷. تدوین سرفصل‌های دوره آموزشی که ویژگی‌ها و سرشاخه‌های عناوین کلی آن در گفتار بعد بیان می‌شود.

۴. تدوین دوره آموزشی فقه پزشکی

شاید بتوان گفت که یکی از مهم‌ترین مراحل تخصصی کردن فقه (فقه پزشکی) تدوین سرفصل‌ها و عناوین دروسی است که باید در دوره‌های آموزشی-پژوهشی تدریس شود. تدوین سرفصل‌ها به همراه اهداف و روش‌شناسی دوره به منزله نقشه راه خواهد بود که می‌تواند از قبل مسیر آینده و چگونگی دستیابی به غایات موردنظر را نشان دهد. از این رو باید با کارشناسی دقیق اقدام به تدوین این نقشه راه نمود. بنابراین تدوین دوره آموزشی را در سه بخش: ۱. دروس مقدماتی و تمهیدی، ۲. بخش اصلی (دروس اصلی)، و ۳. دروس تکمیلی، پی می‌گیریم.

۴-۱. بخش مقدماتی و تمهیدی

منظور از بخش تمهیدی، مباحثی است که جنبه مقدماتی و مداخلی برای فقه پزشکی

داشته و به مطالبی چون مفاهیم، پیشینه، اقسام و کارکردهای فقه پزشکی و اهداف دور اختصاص دارد. بنابراین در این بخش به بیان دو مطلب مهم پرداخته می‌شود:

۱. اهداف: نخست باید اهداف و غایات دوره را به‌طور دقیق مشخص کرد. بر اساس

تحقیق صورت گرفته، اهداف مهم دوره آموزشی-پژوهشی فقه پزشکی عبارتند از:

- شناخت درباره مسائل پزشکی و تحقیق و تحلیل فقهی موضوعات آن.

- تربیت محقق در خصوص فقه پزشکی (دستیابی به قدرت استنباط در رشته

تخصصی و مجتهد متجزی در موضوعات مرتبط با فقه پزشکی).

- تربیت مدرس برای مقاطع تحصیلی عالی فقه پزشکی.

- تولید و گسترش مرزهای دانش در فقه پزشکی.

- نظریه‌پردازی در مسائل و موضوعات نوپیدای فقه پزشکی.

- کاربردی کردن فقه به‌منظور طراحی نظام پزشکی و پرستاری بر پایه فقه اسلامی.

- ترویج و دفاع علمی از فقه اهل بیت علیهم‌السلام و پاسخ‌گویی به مسائل نوپدید و موردنیاز

اهل شریعت، بر اساس اصول و قوانین اجتهادی در سایه فقه جواهری و پویا.

- کمک به رفع معضلات فقهی نظام اسلامی: یکی از معضلات و مشکلات

برنامه‌ریزان حکومت اسلامی، به‌اجرا گذاشتن و تدوین قوانین منطبق بر اصول و

موازین استنباط فقه شیعه است. تخصصی کردن فقه پزشکی یکی از راهکارهای

از بین بردن مشکلات حاکمیت در زمینه قوانین مرتبط با فقه پزشکی و انطباق آنها

با موازین شرعی است.

۲. دروس تمهیدی و آماده‌سازی: جهت آشنایی کلی دانش‌پژوهان این عرصه قبل از

ورود به دروس اصلی، باید آشنایی اجمالی با برخی مباحث صورت پذیرد؛ مباحثی

مانند کلیات فقه پزشکی (تعریف، تبیین موضوع فقه پزشکی، ضرورت فقه پزشکی و

نظام سلامت و اهداف آن)، تاریخچه موضوع و پیشینه پژوهشی موضوع، آشنایی کلی با

فلسفه پزشکی (آشنایی با مبادی و مبانی، روش و مسائل)، آشنایی اجمالی با سازمان‌های

حرفه‌ای پزشکی (آشنایی کلی با ساختار علوم پزشکی، پرستاری و پیراپزشکی جهت

موضوع‌شناسی فقهی در این حوزه)، آشنایی کلی با مبانی طب اسلامی، آشنایی با





اخلاق پزشکی و زیست پزشکی (در حوزه توان‌بخشی، معاینه، درمان و تحقیقات)، و نیز آشنایی با فقه پزشکی و حقوق پزشکی.

۴-۲. سرفصل‌های دروس اصلی

برای ارائه سرشاخه‌های دروس اصلی دوره آموزشی فقه پزشکی، می‌توان چهار محور اصلی را مشخص کرد؛ به گونه‌ای که تمام مسائل فقه پزشکی به صورت نظام‌مند در یکی از محورها و سرعنوان جای گیرد. بر این اساس چهار محور اصلی عبارتند از:

۴-۲-۱. فقه معاینه

«فقه معاینه» عرصه وسیعی از فعالیت‌های پزشکی را شامل می‌شود که در بسیاری از رشته‌های پزشکی که اقدام به تشخیص بیماری می‌کنند مشترک است. از این رو بخش مهمی از مسائل پزشکی در ارتباط با حوزه معاینه و تشخیص است؛ بنابراین آموزش و پژوهش در آن می‌تواند در پرورش توانایی اجتهادی پژوهش‌گران فقه پزشکی تأثیر بسزایی داشته باشد. مهم‌ترین سرفصل‌های این بخش عبارتند از: آشنایی با روش‌های معاینه و موضوع‌شناسی آن، بررسی مسائل فقهی معاینات پزشکی، پرستاری و کادر درمانی، صلاحیت و شرایط معاینه‌کننده، بررسی مصداقی معاینات غیرضروری مثل معاینات استخدومی و غربال‌گری و مانند آن، بررسی حکم رضایت بیمار در معاینات، خطا در معاینه، و نیز معاینه در شرایط ضروری، اضطراری، فوری و همانند آن.

۴-۲-۲. فقه درمان

«فقه درمان» گرایش دیگری در فقه پزشکی است که در این عرصه، روش‌های درمانی تهاجمی و غیرتهاجمی مانند دارودرمانی، جراحی، یا رفتاردرمانی، از منظر فقهی مورد بررسی می‌گیرد. هدف اصلی همه بخش‌های پزشکی، درمان بیماران و حفظ سلامتی آنها است، به گونه‌ای که می‌توان سایر بخش‌ها را مقدمه‌ای برای این هدف به شمار آورد. بنابراین آشنایی با این بخش کمک‌شایانی به تشخیص موضوعات و استنباط احکام آن می‌نماید. سرفصل‌هایی که در این درس بیشتر باید مورد توجه قرار

گیرد عبارتند از: شناخت روش‌های درمانی، بررسی صلاحیت پزشک، همچنین مسائل مرتبط با عرضه دارو، مواد خوراکی و آشامیدنی تقلبی، بدون تأثیر یا زیان آور، بررسی احکام فقهی در زمینه مواد روان‌گردان، حکم تکلیفی درمان خود و دیگران، احکام بیماری‌های واگیر، درمان با خوراکی‌ها و آشامیدنی‌های حرام، درمان با امور خارق‌العاده، رابطه درمان با اذن و آگاهی بیمار، اجرت و دستمزد درمان، و درمان با داروهای زیان‌بار.

۴-۲-۳. فقه تحقیقات نوین پزشکی

در حوزه تحقیقات نوین پزشکی و مسائل مرتبط با آن، مسائل فقهی فراوانی مطرح است که یادگیری چگونگی تحقیق و استنباط در آنها می‌تواند رهگشای کشف احکام مسائل مستحدث دیگر نیز باشد. چگونگی تطبیق و ارتباط این نوع موضوعات با اصول کلی موجود در منابع استنباط و نقشه راه رسیدن به حکم فقهی بر اساس موازین و قواعد اجتهادی، هدف اصلی این درس خواهد بود. همچنین موضوع‌شناسی را می‌توان در این درس جای داد. بر این اساس، برخی از عناوین و سرفصل‌های مهم این درس عبارتند از: مسائل فقهی مرتبط با مرگ مغزی و قطع ادامه حیات بیماران، پیوند اعضا در تحقیقات نوین، بررسی فقهی شبیه‌سازی، آشنایی با تحقیقات نوین ژنتیک (تصرفات ژنتیکی، و انتخاب و تعیین جنسیت قبل از تشکیل جنین)، باروری‌های نوین، استفاده از داروهای نوین، اثبات جرائم با تحقیقات پزشکی، تغییر جنسیت و تغییر شکل اندام‌ها و اعضا، پوست و مو، رنگ چشم، روش‌های نوین عقیم‌سازی، مسائل نوین قاعدگی زنان وابسته به مصرف دارو و مسائل درمان، و نیز مسائل نوین بانک‌های طی.

۴-۲-۴. فقه بهداشت و سلامت

«فقه بهداشت و سلامت» به بررسی مدل‌ها و ابزارهای پایش بهداشت فردی و اجتماعی و نیز سنجش سلامت روانی و معنوی در مقاطع مختلف سنی (از قبل از تولد تا پایان حیات)، همچنین به بررسی مسائل فقهی ارائه مراقبت‌های معنوی و چالش‌های فقهی آن



در سطوح مختلف پیشگیری از بیماری می‌پردازد که مهم‌ترین سرفصل‌های آن عبارتند از: بهداشت فردی، بهداشت عمومی یا اجتماعی، سلامت جسمی، سلامت روانی - روحی (معنوی)، و نیز پیشگیری از بیماری و سطوح سه‌گانه آن.

۳-۴. درس تکمیلی

در بخش درس تکمیلی باید به دو سرفصل مهم پرداخته شود که در زمره مباحث و عناوین پیشین جای نمی‌گیرند:

۳-۴-۱. اصول فقه با رویکرد به مباحث فقه پزشکی

آموزش اصول فقه باید با رویکرد به مباحث مرتبط با فقه پزشکی صورت گیرد که عمده‌ترین مباحث در این زمینه عبارتند از: حجیت سیره عقلا، شمول اطلاعات و عمومات درباره مسائل مستحدثه، ملازمات عقلی در مباحث فقه پزشکی، مستقلات غیرعقلی و کاربرد آن در فقه پزشکی، بحث مذاق شریعت و مقاصد شریعت در فقه پزشکی، مجاری اصول پر کاربرد در فقه پزشکی، و تأثیر مبانی اصولی در فقه پزشکی.

۳-۴-۲. فقه حقوق و قراردادهای پزشکی

یکی از لوازم پژوهش در مسائل فقه پزشکی، شناخت قوانین حقوقی در این دسته موضوعات است. برای دستیابی به این منظور می‌توان به دو روش ذیل عمل کرد: یکی اینکه دوره‌ای فشرده در زمینه حقوق به صورت کلی برگزار کرد تا پژوهش‌گران و دانش‌پژوهان این عرصه با منابع و چگونگی استفاده از منابع حقوقی و نظرات مرتبط با آن آشنا شوند و توانایی یابند تا در پژوهش‌های خویش از آنها بهره‌جویند، یا به صورت تفصیلی به شناخت قوانین و مباحث حقوقی مرتبط با پزشکی پرداخت. البته روش دوم کارایی بیشتری خواهد داشت. عموم سرفصل‌های این درس عبارتند از: شناخت قانون طبابت، قوانین مسئولیت فنی مراکز معاینات بالینی و غیربالینی، شناخت قوانین تعزیرات حکومتی درباره خدمات بهداشتی-درمانی در سه حوزه معاینه، درمان و تحقیقات،



فقه

همچنین قوانین حقوقی در خصوص آموزش‌های نوین و مداوم جامعه پزشکی در مسائل معاینه، قوانین مرتبط با پیشگیری از بیماری‌های آمیزشی و واگیردار، قوانین حقوقی درباره عرضه و درمان با داروها و مواد خوراکی و آشامیدنی قلبی، یا بدون تأثیر و زیان آور، قوانین حقوقی درباره صلاحیت افرادی که به درمان و تجویز دارو اقدام می‌نمایند، شناخت قوانین مرتبط با لزوم کمک به مصدومان و رفع مخاطرات جانی، شناخت قوانین حقوقی در خصوص مواد روان‌گردان، شناخت قوانین حقوقی درباره مجازات اسلامی در امور مربوط به معاینه، درمان و تحقیقات پزشکی، شناخت قوانین بانک‌های پزشکی (بانک خون، بند ناف، بافت، سلول و...)، شناخت قوانین پیوند اعضا از فردی به فرد دیگر، شناخت قوانین اهدای گامت، شناخت قوانین سقط جنین، شناخت قوانین رحم اجاره‌ای، شناخت قوانین حقوقی درباره نظریه تیم پزشکی در اثبات جرائم، شناخت قوانین حقوقی درباره جنون، و نیز شناخت قوانین ضمان و مسئولیت پزشکان و کادر درمانی.

بدین ترتیب، روشن شد که فقه پزشکی همه شرایط تبدیل شدن به یکی از فقه‌های تخصصی را دارا است و با حرکت گام به گام و برنامه‌ریزی منسجم، و به کارگیری برنامه یادشده در این پژوهش که نتیجه تجربه و تحقیق ده‌ساله نویسنده است، می‌توان آینده‌ای روشن و توسعه‌یافته برای رشته «فقه پزشکی» پیش‌بینی کرد.

نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه در این پژوهش گذشت، نتایج ذیل به دست می‌آید:

۱. گسترش و پیشرفت روزافزون دانش و توسعه و فزونی پرسش‌ها، نیاز به تخصصی شدن همه علوم را آشکار ساخته است و دانش فقه نیز از این قاعده مستثنی نیست، ولی تأسیس یک گرایش یا رشته تخصصی در فقه نیازمند نگرش عمیق و تسلط بر عرصه‌های مختلف دانش فقه و درک صحیح ارتباط آن با موضوع میان‌رشته‌ای است. از این رو باید به صورت گام به گام و بر اساس برنامه‌ای منسجم به سوی تخصصی کردن فقه حرکت کرد.





۲. پیشرفت دانش پزشکی و ابتلای روزافزون عموم مردم به مسائل پزشکی و درمانی، می‌طلبد که زمینه تبدیل شدن فقه پزشکی به یکی از فقه‌های تخصصی فراهم آید؛ چه اینکه اگر چنین کاری صورت نپذیرد، پاسخ‌گویی مستمر فقه به مسائل مورد ابتلای جامعه در عرصه پزشکی، گرفتار چالش می‌شود.

۳. «فقه پزشکی» به‌عنوان یکی از شاخه‌های فقه عام عبارت است از: «هو العلم بالأحكام الطبية الفرعية من الأدلة التفصيلية؛ فقه پزشکی علم به احکام فرعی پزشکی از مسیر بررسی ادله تفصیلی فقه است». چنانچه ضوابط و شرایط تأسیس دانش‌های میان‌رشته‌ای در زمینه فقه پزشکی مراعات شود، این فقه تخصصی می‌تواند به‌عنوان یکی از فقه‌های تخصصی مطرح شود؛ چراکه این موضوع ظرفیت لازم را دارد و می‌توان با برنامه‌ای منسجم، معایب و آسیب‌های تخصصی شدن فقه را به حداقل رساند و مزایای آن را تحقق بخشید.

۴. ورود به عرصه‌های عملی و رفتاری جامعه بشری، فراهم آمدن زمینه‌های درک صحیح از مسائل مورد نیاز جامعه اسلامی، حضور فقه در عرصه‌های جدید و محض شدن تعدادی از دانشوران در رشته‌ای تخصصی، درک واقعیت‌های موجود و حل مشکلات و معضلات فقهی آنها، گسترش و توسعه دامنه فقه به‌صورت نظام‌مند، تمرکز تخصصی بر موضوعات مرتبط با فقه پزشکی، تعامل و تضارب آراء میان فقه و پزشکی، تدوین نظام آموزشی، و کاربردی کردن آن، شناخت هرچه بیشتر کمبودها و نیازها در عرصه فقه، همگی از محاسن و مزایای تخصصی کردن فقه در عرصه پزشکی است.

۵. تخصصی شدن فقه ممکن است معایب و آسیب‌هایی را به دنبال داشته باشد؛ مانند ورود به عرصه تخصصی بدون داشتن قدرت اجتهاد عمومی، ورود با نگرش سطحی و کلی‌گرایی، تورم نظام فقه و اجتهاد، ایجاد تضادهای گرایشی و نیز فراهم‌نیامدن زیرساخت و ابزار تخصصی شدن. با این حال با رعایت ضوابطی چون گزینش دقیق، سرمایه‌گذاری در ایجاد زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، می‌توان جلوی آسیب‌های یادشده را گرفت.

۶. بر اساس تحقیق، دوازده شاخص برای تخصصی کردن و تأسیس رشته یا گرایش تخصصی لازم و ضروری است که فقه پزشکی همه شاخص‌های مزبور را دارد و از این رو می‌تواند در اولویت تبدیل شدن به رشته‌ای تخصصی قرار گیرد.

۷. با طی مراحل هفت‌گانه می‌توان به تأسیس «فقه پزشکی» اقدام کرد: تبیین اهداف و غایات، ظرفیت‌شناسی، ایجاد فضای سخت‌افزاری لازم، شناسایی اساتید توانمند در این عرصه، ایجاد زیرساخت‌های نرم‌افزاری، گزینش صحیح و دقیق، و تدوین سرفصل‌های آموزشی.

۸. می‌توان دوره آموزشی فقه پزشکی را در سه بخش کلی تمهیدی، اصلی و تکمیلی ارائه کرد؛ بخش تمهیدی جنبه مقدماتی و ورود به فقه پزشکی را دارد که بیان اهداف، تبیین مفاهیم رشته و پیشینه آن، تبیین کلیات فقه پزشکی، آشنایی با مباحث جنبی لازم مانند فلسفه پزشکی و آشنایی اجمالی با حرفه‌های پزشکی و مبانی طب اسلامی، از جمله مباحث مقدماتی به شمار می‌آید.

سرفصل‌های اصلی دروس دوره در چهار بخش کلی ارائه می‌شود: ۱. فقه معاین، ۲. فقه درمان، ۳. فقه تحقیقات نوین، و ۴. فقه بهداشت و سلامت. هر یک از بخش‌های مذکور، دارای سرفصل‌های فرعی متعدد و فراوان خواهد بود که ذیل سرشاخه‌های چهارگانه جای می‌گیرند. دروس تکمیلی، عناوینی هستند که در چارچوب یادشده جای نمی‌گیرند، ولی آموزش آنها ضروری به نظر می‌رسد. مباحث اصول فقه با رویکرد فقه پزشکی و حقوق فقه پزشکی و قراردادهای آن، در زمره مباحث تکمیلی جای می‌گیرد.

حاصل آنکه با طی مراحل به‌صورت گام‌به‌گام و حرکت بر اساس آنچه در این پژوهش گذشت، فقه پزشکی یکی از غنی‌ترین فقه‌های تخصصی قابل طرح و اجرایی شدن است.



فقه



فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. ابن سینا. (۱۲۹۶ق). القانون فی الطب (چاپ سنگی). تهران: الطباعة طهرانی.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. قم: دفتر انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳. جالینوس. (۱۹۸۲م). التاتی لشفاء الأمراض (مترجم: حنین بن اسحاق). قاهره: انتشارات الهيئة المصرية لطباعة الكتاب.
۴. جعفری، محمد تقی. (۱۳۶۶). مصاحبه. مجله حوزه، ۱۹، صص ۱۷-۳۸.
۵. جناتی، محمدابراهیم. (۱۳۷۴). ادوار فقه و کیفیت بیان آن. تهران: کیهان.
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۱۰ق). صحاح اللغة. بیروت: دار العلم للملایین.
۷. حر عاملی، محمد بن الحسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۸. حرانی، ابن شعبه حسن بن علی. (۱۴۰۴ق). تحف العقول (مصحح: علی اکبر غفاری، چاپ دوم). قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۹. حمیری، نشوان بن سعید. (۱۴۲۰ق). شمس العلوم ودواء کلام العرب من الکلوم. بیروت: دار الفکر المعاصر.
۱۰. خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۷۰). سخنرانی رهبر انقلاب در آغاز درس خارج فقه. بازیابی شده در ۳۱ شهریور ۱۳۷۰، از <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=534>
۱۱. خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۷۴). بیانات در دیدار جمعی از نخبگان حوزوی. بازیابی شده در ۱۳ آذر ۱۳۷۴، از <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3962>
۱۲. خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۰). صحیفه نور. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۳. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغتنامه. تهران: دانشگاه تهران.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دار العلم - دار الشامیة.
۱۵. سادوک، بنجامین؛ سامون، احمد. (۱۳۸۹). دست‌نامه روان‌پزشکی (ویراست پنجم: ۲۰۱۰م، مترجم: دکتر فرزین رضاعی). تهران: انتشارات ارجمند.
۱۶. صدر، سید محمدباقر. (۱۴۲۳ق). الفتاوی الواضحه. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.

۱۷. عاملی، حسن بن زین‌الدین. (۱۴۱۸ق). معالم‌الدین وملاذ‌المجتهدین: قسم‌الفقہ. قم: مؤسسه‌الفقہ للطباعة و النشر.
۱۸. عبدالناصر، جمال. (۱۴۲۸ق). موسوعة‌الفقہ الاسلامی. قاهره: وزارة‌الاقواف - المجلس‌الأعلى للثنون‌الإسلامیة.
۱۹. علامه‌حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۴ق). تذکره‌الفقہاء (۱۴ جلد). قم: مؤسسه آل‌البتیة.
۲۰. قاسمی، محمدعلی. (۱۳۹۹). آیات‌فقہ پزشکی. قم: مرکز‌فقهی ائمه‌اطهار (ع).
۲۱. قمی، شیخ‌عباس. (۱۴۱۴ق). سفینه‌البحار. قم: انتشارات‌اسوه.
۲۲. کراجکی، محمد بن علی. (۱۳۹۴ق). معدن‌الجواهر وریاضة‌الخواطر. تهران: المكتبة‌المرتضویة.
۲۳. مازندرانی، محمدصالح بن احمد. (۱۳۸۲ق). شرح‌اصول‌الکافی. بیروت: دار‌احیاء‌التراث‌العربی للطباعة و النشر.
۲۴. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار‌الانوار. بیروت: احیاء‌التراث‌العربی.
۲۵. مرندی، علیرضا؛ عزیزی، فریدون؛ لاریجانی، باقر؛ جمشیدی، حمید رضا. (۱۳۹۸). سلامت‌در جمهوری‌اسلامی ایران (ویرایش دوم). تهران: فرهنگستان‌علوم پزشکی جمهوری‌اسلامی ایران.
۲۶. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۵). مرجعیت‌روحانیت. تهران: صدرا.
۲۷. موسوی، رضا. (۱۳۷۹). آشنایی با مبادی‌فقہ یا حقوق‌اسلامی. مشهد: دانش‌شرقی.
۲۸. مولوی وردنجانی، سعید. (۱۳۸۸). ضرورت‌اجتهاد تخصصی در عصر جدید و شؤون آن در فقہ شیعه. مجله فروغ‌وحدت، ۲(۱۵)، صص ۶-۱۵.
۲۹. نوری، عبدالنبی. (۱۲۸۷). تذکره‌الغافل و ارشاد‌الجاهل (نسخه سنگی: شماره ۴۵۴۷۰، کتابخانه آستان‌قدس رضوی مشهد مقدس). تهران: بی‌نا.
۳۰. نوری، محمداسماعیل. (۱۳۷۸). آشنایی با فقہ. قم: احسن‌الحديث.



فقه

References

* The Holy Quran.

1. Abdul Nasser, J. (1428 AH). *Encyclopedia of Islamic jurisprudence*. Cairo: Ministry of Endowments - Supreme Council for Islamic Affairs. [In Arabic]
2. Allama Heli, H. (1414 AH). *Tazkirah al-Foqaha*. (14 vols.). Qom: AlulBayt Institute. [In Arabic]
3. Ameli, H. (1418 AH). *Ma'alim al-Din va Malaz al-Mujtahidin Qism al-Fiqh*. Qom: Mu'asisah al-Fiqh le al-Taba'ah va al-Nashr. [In Arabic]
4. Dehkhoda, A. A. (1373 AP). *Dictionary*. Tehran: University of Tehran. [In Persian]
5. Hamiri, N. (1420 AH). *Shams al-Ulum va Dawat Kalam al-Arab min al-Kolum*. Beirut: Dar al-Fikr al-Mu'asir. [In Arabic]
6. Harani, Ibn Sh. (1404 AH). *Tohaf al-Uqool* (A. A. Ghaffari, Ed., 2nd ed.). Qom: Teachers Association Publications. [In Arabic]
7. Hor Ameli, M. (1409 AH). *Wasa'il al-Shia*. Qom: AlulBayt Institute.v
8. Ibn Faris, A. (1404 AH). *Mujam Maqa'is al-Loqat*. Qom: Qom Seminary Islamic Propaganda Office Publishing Office. [In Arabic]
9. Ibn Sina. (1296 AH). *Al-Qanoun fi al-Tib*. (Lithography). Tehran: al-Taba'at Tehrani. [In Arabic]
10. Jafari, M. T. (1366 AP). Interview. *Journal of Hozeh*, 19, pp. 17-38. [In Persian]
11. Jalinous. (1982). *Al-Tati le Shifa al-Amraz*. (H. Ishaq, Trans.). Cairo: Intisharat al-Hiyat al-Misriyah le Taba'at al-Kitab.
12. Janati, M. I. (1374 AP). *Periods of jurisprudence and the quality of its expression*. Tehran: Keyhan. [In Persian]
13. Johari, I. (1410 AH). *Sahah al-Loqat*. Beirut: Dar Al-Ilm le al-Mala'een. [In Arabic]
14. Karajki, M. (1394 AH). *Ma'adan al-Jawahir va Riazah al-Khawatir*. Tehran: al-Maktabah Mortazaviyah. [In Arabic]
15. Khamenei, S. A. (1370 AP). Speech of the Leader of the Revolution at the beginning Kharif Fiqh Course. Retrieved September 21, 1991, from <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=534>. [In Persian]
16. Khamenei, S. A. (1374 AP). Statements at a group meeting of seminary elites. Retrieved December 4, 1995, from <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3962>. [In Persian]



فقه

17. Khomeini, R. (1370 AP). *Sahifeh Nour*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
18. Majlesi, M. B. (1403 AH). *Bihar al-Anwar*. Beirut: Dar Al-Ihya Al-Torath Al-Arabi. [In Arabic]
19. Marandi, A., & Azizi, F., 7 Larijani, B., & Jamshidi, H. R. (1398 AP). *Health in the Islamic Republic of Iran*. (2nd ed.). Tehran: Academy of Medical Sciences of the Islamic Republic of Iran. [In Persian]
20. Mazandarani, M. (1382 AH). *Sharh Usul Kafi*. Beirut: Dar Al-Ihya Al-Torath Al-Arabi le Tabat'at va al-Nashr. [In Arabic]
21. Molawi, S. (1388 AP). The necessity of specialized ijtiḥad in the new era and its aspects in Shiite jurisprudence. *Forough Vahdat Magazine*, 2(15), pp. 6-15. [In Persian]
22. Motahari, M. (1365 AP). *Clergy authority*. Tehran: Sadra. [In Persian]
23. Mousavi, R. (1379 AP). *Familiarity with the principles of jurisprudence or Islamic law*. Mashhad: Daneshe Sharqi. [In Persian]
24. Nouri, A. (1287 AP). *Tazkerat al-Ghaqil va Irshad al-Jahil* (No. 45470, Astan Quds Razavi Library, Holy Mashhad). Tehran. [In Persian]
25. Nouri, M.I. (1378 AP). *An Introduction to Islamic jurisprudence*. Qom: Ah-san al-Hadith. [In Persian]
26. Qasemi, M. A. (1399 AP). *Verses of medical jurisprudence*. Qom: Jurispru-dential Center of the Pure Imams. [In Persian]
27. Qomi, S. A. (1414 AH). *Safinah al-Bihar*. Qom: Osweh Publications. [In Arabic]
28. Ragheb Isfahani, H. (1412 AH). *Mufradat al-faz al-Qur'an*. Beirut: Dar Al-Alam - Dar Al-Shamiya. [In Arabic]
29. Sadr, S. M. B. (1423 AH). *Al-Fatwa al-Wazihah*. Beirut: Dar Al-Ta'rif le al-Matbu'at. [In Arabic]
30. Zadok, B., & Samoun, A. (1389 AP). *Manual of Psychiatry*. (5th ed.) (F. Rezaei, Trans.). Tehran: Arjmand Publications. [In Persian]



فقه